

پ: ۸۵/۱۱/۱

منشأ واژگان معیار ادبی معاصر فارسی*

علی اشرف صادقی**

چکیده

واژگان زبان فارسی از سرچشمه‌های مختلف گرفته شده است. یک دسته از واژه‌های فارسی از زبانهای ایرانی، مانند فارسی میانه یا پهلوی که بنیاد زبان فارسی را تشکیل می‌دهد و دسته‌ای دیگر از زبانهای پارتی (پهلوی اشکانی)، سغدی، بلخی و غیره گرفته شده‌اند. دسته‌ای دیگر نیز از زبانهای ترکی قدیم، مغولی، ترکی استانبولی، روسی، فرانسه و انگلیسی و غیره اقتباس شده‌اند. این مقاله مروری به واژگان فارسی و اشاره به منشأ آنها است.

کلیدواژه: زبان فارسی، فارسی معیار، فارسی میانه، پارتی، سغدی، بلخی، کلمات قرضی در زبان فارسی، ترکی، مغولی، ترکی استانبولی، روسی، فرانسه، انگلیسی.

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

موضوع صحبت من منشأ زبان فارسی ادبی معاصر است. زبانی که ما امروز فارسی

*. سخنرانی نگارنده در هم‌اندیشی بین‌المللی فرهنگ ایران و ادبیات فارسی در دانشگاه اوزاکای ژاپن (۱۶ و ۱۷ دی ماه ۱۳۸۵)
**. استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

می‌نامیم در قرون اول بعد از اسلام فارسی دری و در دوره ساسانی دریگ نامیده می‌شده است. فارسی در دوره ساسانی به زبان رسمی آن دوره که ما امروز به غلط آن را پهلوی می‌نامیم، اطلاق می‌شده است. پهلوی در اصل نام زبان منطقه پهل که یعنی خراسان فعلی از حدود شهر مرو و نیشابور تا قومس و گرگان قدیم بوده که بعد از اطلاق نام پهل به منطقه ری و نهاوند و همدان و آذربایجان و چند شهر دیگر در این حدود، پهلوی برای نامیدن گویشهای این منطقه نیز به کار رفته است. در حقیقت گویشهای قدیم پهل اصلی یعنی خراسان فعلی با گویشهای شهرهای ری و قم و اصفهان و همدان و آذربایجان یک طیف یا پیوستار را تشکیل می‌داده که در اصطلاح آنها را گویشهای شمال غربی ایران می‌نامند، در مقابل گویشهای جنوب غربی که پارسیگ یا به اصطلاح ایران شناسان فارسی میانه، نماینده شاخص آنها بوده و فارسی دری دوره اسلامی و فارسی امروز ما نیز دنباله همان است. اما زبان فارسی دری را امروز زبان نشأت یافته از خراسان می‌دانند. علت این امر این است که در اواسط دوره ساسانی زبان فارسی میانه بتدریج همراه دیوانیان و سپاهیان از تیسفون یا مداین، پایتخت ایران به خراسان منتقل شد و رفته رفته جای زبان پهلوی که امروز آن را برای مشخص شدن «پارتی» می‌نامند، گرفت. آنچه در حقیقت به خراسان منتقل شد شکل تحول یافته فارسی میانه بود که در پایتخت رایج بود و دری نامیده می‌شد. طبق اسناد و شواهد موجود، زبان پارتی در اواخر دوره ساسانی زبانی مرده بوده که مانویان و دیگران طبق سنت به آن می‌نوشتند. زبان دری هنگام انتقال به خراسان از زبان پهلوی اشکانی یا پارتی به شدت تأثیر پذیرفت و بسیاری از واژه‌های آن مانند «شهر»، «مهر»، «پور»، «ژرف»، «ژاله»، «اشک»، و غیره را پذیرفت. همچنین صامت «ژ» که در زبان فارسی جنوب یا فارسی میانه وجود نداشت از زبان پارتی وارد زبان فارسی دری شد. در آغاز فتح ایران در قرن اول هجری سپاهیان مسلمان به سرکردگی اعراب به ماوراءالنهر یعنی آسیای مرکزی امروز حمله ور شدند و بتدریج آنجا را فتح کردند. زبان فارسی نیز بتدریج با این سپاهیان به ماوراءالنهر منتقل شد. ساکنان آن منطقه که سغدی زبان و خوارزمی زبان بودند این سپاهیان و سایر کوچنده‌های داخل فلات ایران به آنجا را که فقط سرداران آنها عرب بودند، عرب می‌پنداشتند و از این جهت آنها را تاجیک نامیدند یعنی تازی. زبان سغدی تا اواسط قرن چهارم هجری در ماوراءالنهر رایج بود، ولی پس از آن زبان فارسی به کلی جای آن را گرفت و تنها در بعضی مناطق روستایی باقی ماند. امروز

گویش یغناپی در دره رودخانه یغناپ از شاخه‌های رودخانه زرافشان در تاجیکستان باقی مانده و تحول یافته سغدی است. خوارزمی نیز تا قرن هفتم در خوارزم رایج بود و بعد از آن ترکی جای آن را گرفت. زبان فارسی دری در زمان انتقال به ماوراءالنهر بعضی کلمات سغدی را به وام گرفت، کلمات «نغز»، «جغد»، «چرخشت»، «ترت و مرت» به معنی «تار و مار» که در شعر رودکی آمده و غیره همه کلمات سغدی است. البته تماس پیدا کردن فارسی دری با سایر گویشهای شرق ایران نیز موجب وارد شدن تعدادی کلمه از این گویشها به فارسی شد. تمام کلماتی که با «غ» آغاز می‌شوند مانند «غوک» به معنی قورباغه، «غلطیدن»، «غَر» به معنی کوه و غیره از زبانها و گویشهای شرقی ایران که سغدی نیز یکی از آنهاست گرفته شده‌اند. پس از کشف اسناد زبان بلخی در میانه قرن بیستم مشخص شد که کلمه «خدیو» نیز از زبان بلخی وارد زبان فارسی شده است. با روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی در خراسان و ماوراءالنهر در قرنهای سوم و چهارم هجری زبان این منطقه یعنی فارسی دری زبان رسمی دربارها و زبان متون ادبی و علمی شد و از آنجا بتدریج به سایر نقاط ایران منتقل شد. این زبان هنگام فتح ایران به دست اعراب بتدریج تحت تاثیر زبان عربی قرار گرفت و کلمات قرضی زیادی از عربی وارد آن شد. بی‌شک کلماتی مانند «کافر»، «حج»، «زکات»، «خمس»، «اذان» و غیره از اولین کلماتی هستند که وارد فارسی شده‌اند، اما بعدها دبیران و نویسندگان و دانشمندان برای تفنّن و تزیین نوشته‌های خود تعداد زیادی کلمات غیرضروری را نیز وارد فارسی کردند. مقداری از کلمات قرضی عربی نیز کلمات و اصطلاحات علمی‌ای هستند که واضح آنها خود ایرانیان بودند که به عربی می‌نوشتند. تعداد کلمات عربی در نوشته‌های فارسی تا اواسط قرن ششم به حدود پنجاه و گاهی شصت درصد می‌رسید. با هجوم ترکان آسیای مرکزی به ایران و تشکیل سلسله‌های ترک زبان و ورود غلامان ترک به دربارها و سپاه ایران بعضی کلمات ترکی نیز رفته رفته وارد فارسی شد. نگاهی به تاریخ بیهقی و سیاست‌نامه و غیره نشان می‌دهد که در این دوره تعداد کلمات ترکی راه یافته به فارسی بسیار اندک بوده است، اما با حمله مغولان که بدنه سپاهیان آنان ترک بودند هجوم کلمات ترکی همراه با کلمات مغولی به زبان فارسی شدت گرفت. از کلمات مغولی باقیمانده از این دوره باید از «آقا»، «خان» و «خانم» که در ترکی هم وارد شده‌اند، «یاسا»، «ایلغار» و غیره یاد کرد. با استقرار قبایل ترک در آذربایجان و تشکیل سلسله‌های ترک زبان آق قویونلو و قره قویونلو و به دنبال آنها با روی کار آمدن

صفویان که سپاه یا قشون آنها را قبایل هفتگانه قزلباش تشکیل می‌دادند ورود کلمات ترکی به فارسی باز هم بیشتر شد. بویژه اصطلاحات نظامی مانند «یوزباشی»، «مین باشی»، «قلعه بیگی»، مرکب از قلعه عربی و بیگی ترکی به معنی دژبان امروزی و اصطلاحات دولتی مانند «ایشیک آقاسی»، «قوللر آقاسی» و «بیگلربیگی» هم یادگار این دوره است. در دوره صفویه رفته رفته ایران از راه کشور عثمانی ترک زبان با مظاهر تمدن جدید آشنا شد. تعدادی از کلمات مربوط به اختراعات جدید مانند «باروت»، «توپ»، «توپخانه» که جزء دوم آن فارسی است، «خمپاره» که خود از «خمیره» فارسی وارد ترکی شده، «ساجمه»، «گلنگدن»، «قنداق» «تفنگ» که باز احتمالاً از فارسی وارد ترکی شده، «مغازه» که راه دور و درازی را پیموده تا سرانجام وارد ترکی عثمانی شده، از راه ترکی عثمانی وارد فارسی شد. با روی کار آمدن سلسله قاجار و تماس و رفت و آمد با روسیه بتدریج راه ورود کلمات روسی نیز به زبان فارسی باز شد. البته ارتباط با روسها به دورانهای قدیم‌تر باز می‌گردد، اما در زمان صفویه با رفت و آمد ایلیچیان یعنی سفرا میان روسیه و ایران این تماسها بیشتر شد و ورود اولین کلمات قرضی روسی به فارسی به آن دوران باز می‌گردد. مثلاً کلمه «کاپیتان» که در فرهنگهای معاصر آن را از فرانسه مأخوذ دانسته‌اند در زمان صفویه از روسی وارد فارسی شده است. این کلمه نخستین بار در عالم آرای عباسی به چشم می‌خورد که در سال ۱۰۶۶ به فارسی نوشته شده است. تلفظ فرانسه این کلمه که شکل روسی آن هم از آن گرفته شده کاپیتان است نه کاپیتان. از آنجا که تعداد زیادی از کلمات روسی در اصل از فرانسه به قرض گرفته شده‌اند بعدها فرهنگ نویسان ما که با زبان روسی آشنا نبوده‌اند تصور کرده‌اند که این کلمات از فرانسه به فارسی راه یافته‌اند. مثلاً کلمات «بانک»، «باله»، «ماشین»، «بنزین» و غیره همه از روسی وارد فارسی شده‌اند. تعدادی از نام‌های خوراکیها و غذاها مانند «شکلات»، «نان بُلکی»، «نان سوخاری» و غیره و نیز نام بعضی لباسها و کلمات وابسته به آنها مانند «سارافون»، «شابلون»، «شابگا» به معنای شاپو از روسی وارد فارسی شده‌اند. نیز بسیاری از اصطلاحات مربوط به اتومبیل مانند «باک»، «ساسات»، «رُل» به معنی فرمان که در روسی «رول» تلفظ می‌شود، «کاپوت»، «بوکسل»، «بوکس و باد» و غیره منشا روسی دارند. آغاز آشنایی عمیق‌تر با روسی و رفت و آمد بیشتر به روسیه به زمان فتحعلی شاه و عباس میرزا بر می‌گردد که عده‌ای برای یاد گرفتن فنون جدید به روسیه اعزام شدند. در همین ایام رفت و آمد به انگلستان و فرانسه نیز آغاز شد. میرزا

ابوالحسن ایلچی شیرازی و میرزا صالح شیرازی از نخستین کسانی بودند که به انگلستان رفتند و با انگلیسی آشنا شدند. در زمان عباس میرزا به غیر از روسها عده‌ای از نظامیان فرانسه نیز برای تعلیم سپاهیان ایران به استخدام دولت ایران درآمدند. خود عباس میرزا نیز به آموختن زبان فرانسه و انگلیسی روی آورد. پس از وی در دوران پادشاهان قاجار بویژه از زمان ناصرالدین شاه به بعد اعزام محصلین ایرانی به کشور فرانسه آغاز شد و در دربارها نیز مترجمین فرانسه به کار مشغول بودند. اعتمادالسلطنه وزیر ناصرالدین شاه نیز فرانسه‌دان بود. تقریباً از این زمان به بعد زبان دوم درس خواندگان ایرانیها زبان فرانسه شد و مترجمین متعددی شروع به ترجمه کتابهای علمی و ادبی از این زبان کردند. این امر راه ورود کلمات فرانسوی را به زبان فارسی باز کرد و ابتدا اکثر لغات علمی جدید در نوشته‌ها به زبان فرانسه بود، ولی بعضی از متخصصان شروع به برگرداندن آنها به اصطلاحات عربی کردند. کلمات «فیزیکی»، «شیمی»، «فیزیولوژی»، «پاتولوژی»، «آرکتولوژی»، «لیسه»، «لابراتوار»، «بتن آرمه» و غیره از همین زبان وارد فارسی شد. اصطلاحات پزشکی جدید نیز به کلی از فرانسه گرفته شد. لغات عمومی تر مانند «پست»، «تلگراف»، «تلفن»، «اتوبوس»، «تاکسی»، «مُد»، «مینیاتور»، «هتل»، «آسانسور»، «رستوران»، «سینما»، و حتی کلماتی که معادل فارسی داشت مانند «ایده»، «مرسی»، «نرمال»، «پاسپورت» و غیره هم وارد فارسی شد که بسیاری از آنها امروز نیز جزء واژگان زبان رسمی و معیارند. با بسیاری از این کلمات و نیز کلمات روسی واژه‌های مرکب و مشتق فراوانی نیز ساخته شد که امروز در زبان کاربرد دارند. مانند «ماشین‌سازی»، «باطری‌سازی»، «رادیات‌سازی» در زبان گفتار، «ماشین‌نویس»، «ماشین‌نویسی»، «فیلمساز»، «فیلمنامه»، «موتوری»، «ماشینی»، «آپاراتی»، «الکترومغناطیسی»، «اسپانیولی» و غیره.

در این دوره تعدادی از کلمات روسی متروک شد و جای آنها را بتدریج معادل فرانسه آنها گرفت، مانند شاپو به جای شابگا، سیمان به جا سِمنت، اتومبیل به جای ماشین، که البته ماشین هنوز در زبان گفتار کلمه‌ای عادی است. بعد از جنگ جهانی دوم و جایگزین شدن زبان انگلیسی به جای زبان فرانسه رفته رفته کلمات انگلیسی نیز وارد زبان فارسی شد. از این دوره به بعد آموزش زبان فرانسه در دبیرستانها و دانشکده‌ها بتدریج مطرود شد و جای آن را آموزش زبان انگلیسی گرفت. با اینهمه روند ورود کلمات فرانسه به فارسی تا اواخر دهه سی همچنان ادامه داشت، اما از اوایل

دههٔ چهل و بازگشتن درس‌خواندگان کشورهای آمریکا و انگلستان به ایران و ورود تعدادی از آنها به دانشگاهها و ترجمهٔ کتابهای انگلیسی ورود کلمات انگلیسی به فارسی شتاب بیشتری گرفت. البته قبل از این دوره تعدادی از لغات و اصطلاحات مربوط به اتومبیل مانند «دینام»، «دلکو»، «داشبورد»، «پین»، «پنچر»، «اگزوز»، و غیره وارد زبان فارسی شده بود، اما کلماتی مانند «سوپرمارکت»، «دراگ استور»، «کانتینر» که امروزه در زبان گفتاری کانتینر تلفظ می‌شود، «تریلر» که باز تریلی تلفظ می‌شود، و «تانکر»، «تایپ» به جای ماشین‌نویسی، «سینما اسکوپ»، «اسپری» و غیره همه از دهه چهل وارد فارسی شد. امروز تقریباً تمام لغات و اصطلاحات جدید از انگلیسی به فارسی می‌آیند. کلمات «رسیور»، «موبایل»، «فاکس»، «تله فاکس»، «اس ام اس»، «مسیج»، «کامپیوتر»، «هارد»، «رم»، و تمام اصطلاحات دیگر مربوط به رایانه (یعنی کامپیوتر) مأخوذ از انگلیسی است. اصطلاحات عمومی‌تر نیز از انگلیسی وارد شده‌اند، مانند «هندآوت» به جای پلی کیبی فرانسه، «ترانس پرِنسی» به جای ترانس پارانت فرانسه، «زیراکس» مخفف زیراکس کیبی به جای «استنسیل» که امروز متروک شده و بعضی اصطلاحات ورزشی مانند «اسپک» که قبلاً آبشار گفته می‌شد، «هاکی»، «اسکیت» که قبلاً پاتیناژ گفته می‌شد، «واترپلو» و غیره. اما در مقابل جریان ورود لغات خارجی از اوایل سلطنت رضا شاه به دنبال تمایلات ملی‌گرایانه که بتدریج در ایران راه پیدا می‌کرد، عده‌ای به فکر پاک کردن زبان فارسی از لغات بیگانه شدند. در این جریان ابتدا هدف اصلی بیرون راندن لغات ترکی و عربی بود. نخست عده‌ای که بیشتر آنها نظامی بودند شروع به ساختن کلمات «ارتش»، «دژبان»، «ستوان»، «پادگان»، و واژه‌های دیگری در برابر «قشون»، «قلعه بیگی»، «نایب»، «ساخلو» و غیره کردند و چنانکه می‌دانیم همهٔ این لغات امروز جزء لغات رسمی هستند؛ سپس جمع دیگری شروع به ساختن لغات فارسی در مقابل لغات عربی کردند و دامنهٔ این کار در گسترش بود تا دانشمندانی از قبیل فروغی و همفکران او به این فکر افتادند که وضع لغات را به نهادی رسمی که بعداً فرهنگستان نامیده شده بسپارند. از این رو در سال ۱۳۱۴ سازمانی به نام «فرهنگستان ایران» بوجود آمد که فروغی و عده‌ای از دانشمندان بنام آن زمان عضویت آن را داشتند و وضع لغات جدید در مقابل اصطلاحات علمی قدیم (عمدتاً فرانسه و بعضی لغات عربی و ترکی) را در دست گرفتند. اکثر لغات مربوط به گیاه‌شناسی، جانورشناسی و بعضی رشته‌های دیگر علمی که تا آن زمان به فرانسه یا عربی بود به فارسی برگردانده شد. لغات «مهره‌داران» در مقابل ذوفقار عربی،

«قاب بالان»، «پابرسران»، «آبزیان»، «دولپه‌ای‌ها» در مقابل ذوقَلَقَتَيْنِ عربی، «گرده افشانی»، «کاسبرگ»، «گلبرگ» و غیره یادگار آن نهاد است. همچنین لغات «دانشگاه»، «دانشکده»، «دانشیار» از ساخته‌های آن دوره است. با پیدایش گرایش وضع لغات فارسی در مقابل لغات خارجی در جامعه، عده‌ای از دانشمندان و ادبا نیز رُاساً دست به ساختن لغات فارسی تبار در مقابل معادلهای غربی یا گاهی عربی زدند. اصطلاحات «روانشناسی» در مقابل پسیکولوژی، «بازیگر» در مقابل آرتیست روسی، «گزارش» در مقابل راپُرت روسی، «روش‌مند» در مقابل مُتدیک، «گزارشگر»، «پژوهشکده»، «خودکفایی»، «کارایی» در مقابل اِفیشِنسی، «همه‌پرسی» در مقابل رفراندوم، «جهانبینی» در مقابل وِلت آن شاوونگ آلمانی، «ابرقدرت» در مقابل سوپر پاور، «ماهواره» در مقابل ستلایت که ابتدا قمر مصنوعی گفته می‌شد، «پیوستار» در مقابل کنتینوئوم، «رویکرد» در مقابل اَیروچ، «چالش» در مقابل چَلِنج، «تنش» در مقابل تَنشِن و غیره همه به دست افراد مختلف ساخته شده‌اند. این کلمات امروز همه جزء کلمات رسمی و معیارند. در این میان تعدادی ترکیبات نیز به صورت تحت‌اللفظی از فرانسه یا انگلیسی ترجمه شده‌اند، مانند «نقطه نظر» در مقابل پوان دوو فرانسه و پوینت آو ویو انگلیسی، «حساب کردن روی کسی» که ترجمه کُنِتِ سَورِ کِلکَن از فرانسه است، «حساب جاری» در مقابل کُنِت کوران، «پُل هوایی» در مقابل اِیر بریج به انگلیسی، «بازار مشترک» در مقابل مرشه کومَن فرانسه و غیره. در سال ۱۳۵۰ فرهنگستان دیگری به جای فرهنگستان ایران که بعد از ۱۳۲۰ بتدریج فعالیت‌های آن متوقف شده بود تأسیس شد. این فرهنگستان «فرهنگستان زبان ایران» نام گرفت و تا ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی ایران روی داد مشغول فعالیت بود. فرهنگستان در این سالها جزوه‌هایی به نام «پیشنهاد شما چیست» منتشر می‌کرد و در آنها لغات انگلیسی رشته‌های مختلف علمی را همراه با معنی و معادلهای فارسی آنها منتشر می‌کرد و آنها را به داوری می‌گذاشت تا بعداً پیشنهاد نهایی را به تصویب شورای فرهنگستان برساند. در این سالها حدود ۶۵۰۰ واژه در این جزوه‌ها پیشنهاد شد که تنها معدودی از آنها به تصویب رسید. از آنجا که واژه‌های پیشنهادی این فرهنگستان اساساً با ریشه‌های پهلوی و اوستایی ساخته شده بود و از شفافیت کافی برخوردار نبود تنها معدودی از آنها را جامعه پذیرفت که از آن میان می‌توان به کلمات «رایانه»، «همایش» و «رسانه» اشاره کرد که امروز در نوشته‌ها به کار می‌روند.